حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

#وحدت-اسلامی
سجادیان از تهران:
توقف وانت‌بارها و میوه‌فروش‌ها در خیابان وحدت‌اسلامی، چهارراه مختاری باعث ایجاد ترافیک عصرگاهی در این خیابان شده است.

#کیفیت-بنزین
کمیل‌خانی از تهران:
کیفیت بنزین برخی از جایگاه‌های سوخت در سطح شهر تهران بسیار پایین است و این باعث آسیب‌رسیدن به خودروها می‌شود.

#ترافیک-صیادشیرازی
املشی از تهران:
خروجی اتوبان شهید صیادشیرازی به رسالت‌غرب به علت ورود خودروهای فراوان مسدود و این موضوع باعث ترافیک بسیار سنگین در اتوبان شهید صیاد می‌شود.

#خانه-فرسوده
ساکت از تهران:
برخی خانه‌های محله سبلان بسیار فرسوده هستند و بعضی از ساکنین محله با اجاره‌دادن این خانه‌ها به افراد مجرد و ناشناس باعث نارضایتی ساکنان محله شده‌اند.

#سرقت-تابلو
چاووشی از تهران:
سرقت تابلوهای ترافیکی در منطقه ۱۴ حدفاصل بزرگراه محلاتی تا خیابان شهریور اهالی این منطقه را نگران کرده است، شهرداری چرا دراین‌باره اقدام عملی و سازنده‌ای انجام نمی‌دهد؟

#لاستیک-دولتی
مومن از تهران:
بعضی از لاستیک‌های دولتی عرضه‌شده از کیفیت بسیار پایینی برخوردار است و از تاریخ تولید برخی از آنها حدود یک‌سال می‌گذرد.

#بوستان-تختی
قاسمی از تهران:
بوستان ابریشم در محله تختی واقع در خیابان شهید رجایی از روشنایی و امکانات ورزشی و تفریحی کمی برخوردار است. مسوولان شهرداری دراین‌باره اقدامی انجام دهند.

#ترافیک-پل-صدر
حاتمی از تهران:
نبود پلیس راهنمایی‌ورانندگی زیر پل‌صدر تقاطع شریعتی، باعث ترافیک صبحگاهی و عصرگاهی در این محدوده شده است.

#تاکسی-کرونا
اسلامی از تهران:
با بالا رفتن کرایه تاکسی‌ها و همچنین با توجه به شیوع ویروس کرونا، مشاهده می‌شود رانندگان تاکسی در برخی ایستگاه‌ها در صندلی عقب، سه مسافر سوار می‌کنند، چرا سازمان تاکسیرانی دراین‌باره کاری نمی‌کند؟

در پناه گلبرگ‌ها

گل غلتان یک آیین کهن ایرانی است که هرساله در مناطق مختلف کشور از جمله امیریه دامغان برگزار می‌شود امسال این مراسم به صورت مجازی برگزار شد

اجرای آیین گل غلتان در خانه یکی از شهروندان شهر امیریه دامغان در استان سمنان / عکس: خبرگزاری صدا و سیما / بهناز نصرتی

۱۴

فرزانه سلیمان‌بیگی، تنها دانشجوی ناشنوای زبان‌شناسی کشور از دلیل علاقه‌اش به این رشته می‌گوید

دنبال جواب سوالاتم می‌گردم

لیلا شوقی
جامعه

شاید شنیدنش عجیب باشد، این که ناشنوایی دانشجوی دکترای رشته زبان‌شناسی باشد. این اتفاق را اما فرزانه سلیمان‌بیگی رقم زده است. او دومین فرد ناشنوا در دنیاست که در رشته زبان‌شناسی درس می‌خواند. در ایران اما نام او به عنوان تنها دانش‌آموخته ناشنوای زبان‌شناسی مطرح می‌شود. علاقه به یادگیری زبانشناسی برای او با یک سوال در دوران نوجوانی شروع شد، این که چرا با زبان فارسی ارتباط برقرار نمی‌کند و همین پرسش دلیلی شد تا با زبان انگلیسی آشنا شود و بعدها در دانشگاه به صورت آکادمیک زبان انگلیسی و فارسی را یاد بگیرد؛ فرزانه در حالی در خلاف جهت شنا کرد که تفکر سنتی جامعه ناشنوایان از او این بود که مانند بسیاری از اعضای جامعه‌شان، هنر بخواند یا گرافیست و طراح لباس شود. او اما ذهن کنجکاوش را رها کرد و به ندای قلبش گوش داد و به دنبال شنیدن صدای آواها و هجاهای زبان فارسی و انگلیسی رفت. فرزانه حالا آواها و هجاها را از زبان‌هایی که صدا در آن‌ها معنا دارد، تبدیل به تصویر می‌کند و به دوستانش، به ناشنوایان، آموزش می‌دهد. او این روزها بعد از پایان کلاس‌های زبانشناسی در مقطع دکتری، به دوستان ناشنوایش در دانشگاه فرشتگان، زبان اشاره و زبان انگلیسی آموزش می‌دهد. فرزانه می‌گوید: «با آموزش زبان می‌خواهم زندگی جامعه ناشنوایان را تغییر دهم.»

فرزانه سلیمان‌بیگی، ۳۴ سال پیش در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمد. پدر و مادرش، هر دو معلم بودند و فرزانه اولین فرزند آنها بود. همه چیز برای خانواده خوب بود تا این که چند ماه بعد از تولد، پدر و مادر متوجه شدند، فرزندشان ناشنواست. فرزانه می‌گوید: «به بیماری یا تبی دچار نشدم، پدر و مادرم هم با هم نسبت فامیلی نداشتند، اما مادرزادی ناشنوا به دنیا آمدم.» فرزانه توضیح می‌دهد که معنی واژه «مادرزادی» را نمی‌داند و به همین دلیل هم واژه دیگری برای دلیل ناشنوا به دنیا آمدنش به کار می‌برد: «ژنتیکی». فرزانه تعریف می‌کند که پدر و مادرش زمانی که متوجه می‌شوند فرزندشان ناشنواست، به یادگیری زبان اشاره می‌پردازند و حتی مدرسه‌شان را تغییر می‌دهند و در مدارس استثنایی کار می‌کنند. فرزانه زمانی که ۲ سالش می‌شود با کمک والدینش به مدرسه می‌رود و از همان زمان هم آموزش را شروع می‌کند. فرزانه دوران مدرسه را به‌خوبی پشت سر می‌گذارد، اما بعد از فارغ‌التحصیلی از مقطع راهنمایی، در مدارس عادی ثبت‌نام می‌کند. او درباره دلیل انجام این کار می‌گوید: «سطح آموزش در مدارس ناشنوایان پایین بود.» علاوه بر این فرزانه دوست داشت، خودش را به چالش بکشد و البته ورود به دبیرستان بزرگترین چالش آن روزهایش بود.

زندگی برای فرزانه به قبل از ورود به دبیرستان و بعد از آن تقسیم می‌شود. زمانی که بی‌صدا در گوشه نیمکت ردیف اول کز می‌کرد و تمام چشم می‌شد تا بفهمد معلم چه می‌گوید؛ تنها راه او برای یادگیری، لب‌خوانی است. بزرگترین چالش او، برقراری ارتباط با دوستان و معلمانش است. فرزانه از جهان سکوت، با تنها ابزارش یعنی زبان اشاره، در تلاش بود تا با جهان پرهیاهویی ارتباط برقرار کند که هیچ کسی، از ابزار او، یعنی زبان اشاره آگاهی نداشت. گوشه‌گیری و افت تحصیلی اولین اتفاقی است که برای دختر نوجوان می‌افتد. سیستم آموزشی در مدارس ناشنوایان با سیستم آموزش در مدارس عادی متفاوت بود و او سعی می‌کرد با سیستم آموزشی جدید ارتباط برقرار کند. او می‌گوید که در سال‌های اول، در باتلاقی دست و پا می‌زد و سعی می‌کرد با دیگران ارتباط برقرار کند، صدای بی‌صدای او اما در همهمه جهان پرصدا گم شده بود. به خاطر همین است که فرزانه بدون آگاهی از درک آنچه که یاد گرفته، تنها درس‌هایش را حفظ می‌کرد و نمره قبولی می‌گرفت. همان زمان بود که در رشته نقاشی درس خواند، رشته‌ای که علاقه‌ای به آن نداشت.

سوال‌های بزرگ زندگی

فرزانه تعریف می‌کند که هیچ وقت با زبان فارسی ارتباط برقرار نکرد. نه این که تلاشی نکرده نباشد در واقع او نمی‌دانست که چه طور می‌تواند با زبان پر از آوای فارسی، ارتباط بگیرد، زمانی که درک درستی از آوا و صدا ندارد. هرچه زمان می‌گذشت مشکل او در ارتباط با زبان فارسی بیشتر و بیشتر می‌شد، به همین دلیل با خودش فکر کرد: «شاید تنها با همین زبان است که مشکل دارم.» و این فکر بهانه‌ای شد تا برود سراغ یادگیری زبان انگلیسی. فرزانه تعریف می‌کند که زبان اولش، زبان اشاره، زبان تصویر است و زبان دوم زبان فارسی، زبان آوا. بعدها که زبان انگلیسی را هم انتخاب کرد، فهمید که یادگیری زبان انگلیسی هم برایش سخت است. او می‌گوید که بدترین بخش آموزش زبان انگلیسی این بود که هیچ ابزاری برای آموزش این زبان به ناشنوایان وجود نداشت. او اما تصمیم گرفته بود تا یادگیری زبان دیگری را شروع کند.

سال‌های آخر مقطع دبیرستان یاد گرفت، چه طور با دوستانش ارتباط برقرار کند. او با لب‌خوانی یا نوشتن، می‌توانست منظورش را به دوستان و معلمانش بگوید. یادگیری در سال‌های پایانی دبیرستان راحت‌تر شده بود، چراکه دوستان و معلمان فرزانه به او کمک می‌کردند درس‌هایی را که در سال‌های اول ورود به دبیرستان فقط حفظ کرده بود، بهتر یاد بگیرد.

به این ترتیب روزهایی فرا رسید که فرزانه باید به کمک دوستان و والدینش خود را برای شرکت در کنکور آماده می‌کرد. او در کنکور هنر ثبت‌نام کرد و همان سال هم در رشته مردم‌شناسی قبول شد. مخالفت خانواده برای تحصیل در رشته مردم‌شناسی، باعث شد تا او دوباره درس بخواند. سال بعد، یعنی سال ۸۵ اما در کنکور زبان انگلیسی شرکت کرد و در رشته آموزش زبان انگلیسی قبول شد.

رشته جدید، چالش جدید

ورود به رشته آموزش زبان انگلیسی، چالش جدیدی برای فرزانه بود. در ترم اول او با واحدهای درسی مواجه شد که همه گفتاری و شنیداری بودند؛ مواردی که فرزانه از آنها محروم است. به همین دلیل او با اساتیدش صحبت کرد تا آموزش دروس گفتاری و شنیداری را برای او مناسب‌سازی کنند. بسیاری از اساتید اما تمایلی به همکاری با او نداشتند؛ هرچند استادانی، با او همراه شدند و آموزش را برای این دانشجوی ناشنوا، تصویری ارائه کردند. فرزانه اما می‌گوید که آن زمان با دروسی که برای او مناسب‌سازی نشده بود، مشکل داشت، به همین دلیل دوره می‌افتد و در دانشگاه خودش و دیگر دانشگاه‌ها پرس‌وجو می‌کند که چه طور می‌توان آموزش زبان انگلیسی را برای یک ناشنوا، امکان‌پذیر کرد؟ او به نتایج خوبی در دانشکده محل تحصیل و دیگر دانشگاه‌ها رسید. فرزانه می‌گوید خودش با روش‌هایی که یاد گرفته بود، زبان انگلیسی را فرا گرفت. تحقیق‌های او در پایان‌نامه جمع‌آوری شد و فرزانه با پایان‌نامه‌ای با موضوع «آموزش زبان انگلیسی به ناشنوایان» فارغ‌التحصیل شد.

سوالات تخصصی، آموزش تخصصی

هرچه زمان بیشتر می‌گذشت و سطح علمی سلیمان‌بیگی بالاتر می‌رفت، علامت‌های سوال بیشتری در ذهن او ایجاد می‌شد. فرزانه بعد از فارغ‌التحصیلی با سوال بزرگتری دست و پنجه نرم می‌کرد: «زبان چیست؟» به همین دلیل در مقطع کارشناسی ارشد، در رشته زبان‌شناسی همگانی کنکور داد، قبول شد و از همان زمان، تحقیق روی زبان‌های اشاره در سراسر دنیا را شروع کرد. او می‌گوید که در رشته تحصیلی‌اش با آوا و هجاها سروکار داشت و در تمام مدت سعی کرد تا آنها را تبدیل به تصویر کند. نتایج تمام تحقیقات او در مقطع کارشناسی ارشد، عنوان مقاله‌ای شد به نام: «بازنمایی فرآیندهای واژه‌شناسی در زبان اشاره» فرزانه می‌گوید که از همان زمان بود که مشکل بزرگ زبان اصلی‌اش یعنی زبان اشاره را فهمید. او می‌گوید که بزرگترین مشکل یادگیری زبان اشاره این است که به رسمیت شناخته نشده و هر معلمی زبان اشاره را به یک شکل به دانش‌آموز آموزش می‌دهد. حال این‌که اگر زبان اشاره در کشور به رسمیت شناخته شود، همه جامعه ناشنوایان، به یک زبان اشاره با هم ارتباط برقرار می‌کنند. این اما تنها مشکل نیست؛ تحقیقات اندکی درباره زبان اشاره انجام شده است. فرزانه توضیح می‌دهد که ناشنوایان اندکی در رشته‌های مختلف علوم انسانی درس خوانده‌اند و ترجیح ناشنوایان این است که در رشته‌های هنری تحصیل کنند به همین دلیل توجه به نیاز پژوهش در زبان اشاره از طرف جامعه ناشنوایان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. فرزانه این روزها در مقطع دکتری رشته زبانشناسی همگانی در حال تحصیل است و البته هنوز سوالات زیادی درباره زبانشناسی در ذهنش وجود دارد. سوالاتی که هر روز به دنبال پاسخ آنهاست.

زمانی برای آموزش به دیگران

زندگی +

فرزانه همه انرژی خود را صرف درس خواندن و تحقیق نمی‌کند او برای آموزش به جامعه ناشنوایان نیز وقت می‌گذارد. این روزها که ویروس کرونا فراگیر شده است و بسیاری از کلاس‌های دانشگاه در فضای مجازی انجام می‌شود، او از فناوری برای آموزش به ناشنوایان استفاده می‌کند. فرزانه استاد زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی فرشتگان (دانشگاهی برای ناشنوایان) است. این استاد دانشگاه توضیح می‌دهد که در این دانشگاه قرار است، رشته زبان‌شناسی مجوز بگیرد. به جز این اما او معلم زبان اشاره و مسوول کمیته زبان اشاره در شبکه‌های ناشنوایان نیز است. فرزانه می‌گوید که بهترین راه برای یادگیری زبان، در دسترس بودن زبان است؛ به همین دلیل فرزانه به جامعه ناشنوایان زبان اشاره یاد می‌دهد. او معتقد است: «با دسترسی آسان به زبان اشاره، ناشنوایان می‌توانند در حوزه‌های دیگر پیشرفت کنند. دسترسی به زبان، آنها را توانمندتر می‌کند.»

یادداشت:
حمیدرضا محترم
فعال حوزه ناشنوایان

جامعه ناشنوایان را بشنویم

آموزش یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه ناشنوایان است. جامعه ناشنوایان سال‌هاست که با سیستم آموزشی معیوب در مدارس دست و پنجه نرم می‌کند. یکی از دلایلی که آموزش را برای اعضای جامعه ناشنوایان سخت کرده، به رسمیت نشناختن زبان اشاره به عنوان یک زبان مشترک است. به همین دلیل است که در هر منطقه و شهری، هر ناشنوایی به یک شکل زبان اشاره را آموزش می‌بیند. تفاوت یادگیری زبان اشاره، می‌تواند حتی به ارتباط بین اعضای جامعه ناشنوایان آسیب بزند. با وجود این مشکل اما در سال‌های اخیر قدم‌های موثر و خوبی برای آموزش ناشنوایان برداشته شده است. این روزها، در فضای مجازی امکان استفاده از فیلم‌های آموزشی متنوع با موضوعات روانشناسی، طراحی سایت و طراحی گرافیک هستیم، فیلم‌هایی که خوشبختانه زیرنویس فارسی دارد. البته از وجود مترجمانی که به زبان اشاره آگاه هستند هم بهره‌مند می‌شویم.

تداوم این روند ارزشمند است، چراکه می‌تواند به افزایش کیفیت آموزش به ناشنوایان منجر شود. یکی از مشکلات زیرنویس‌هایی که برای فیلم‌ها درنظر گرفته می‌شود اما این است که کیفیت خوبی ندارد. این مشکل را نیز می‌توان با کمک نرم‌افزارها برطرف کرد.

این روزها فضای مجازی، بخشی از بار آموزش را بر دوش گرفته اما متولی آموزش در کشور، وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیماست.

بعد از شیوع ویروس کرونا و به دلیل برنامه‌های تلویزیونی که برای آموزش دانش‌آموزان ناشنوا ساخته شد، استفاده از مترجمان زبان اشاره رواج پیدا کرد. از ماه رمضان تا به امروز شبکه سلامت، برنامه‌های مناسب‌سازی شده برای ناشنوایان پخش می‌کند.

هر روز یک فیلم سینمایی ایرانی از این شبکه تلویزیونی پخش می‌شود و این اقدام سازنده باعث مسرت جامعه ناشنوایان شده است. هرچند اعضای جامعه ناشنوایان دوست دارند برنامه‌های متنوع‌تری از این شبکه پخش شود، پخش برنامه‌هایی مانند مذهبی و روانشناسی می‌تواند باعث افزایش سطح آموزش و آگاهی جامعه ناشنوایان شود.

شبکه‌های استانی هم می‌توانند به این مهم بیشتر توجه کرده و از بار مشکلات جامعه ناشنوایان بکاهند.

بعد از شیوع ویروس کرونا در کشور، فرصت مناسبی پیش آمد تا وزارت آموزش و پرورش، از زیرساخت‌های موجود در کشور برای افزایش سطح آموزش به جامعه توان‌یاب استفاده کند. استفاده از فضای مجازی و ارتقای هر روزه سیستم آموزشی و مناسب‌سازی برای این جامعه از مهم‌ترین فرصت‌هایی بود که در دوران فراگیری کرونا بیشتر به آن توجه شد.